

تخریب هلال احمر ...

ادامه از صفحه اول | اکنون این خط هلال احمر را هدف قرار داده است، شکل ظاهری حملات به گونه‌ای طراحی شده است تا تصور شود که آنها قصد دارند با فساد مبارزه کنند و پس از جذب مخاطب، سرمنشأ این فساد را مدیران عالی جمعیت معرفی کنند. این حجم از حملات دامنه‌دار با کلیدواژه فساد، بیش از آن که نیت خیر خواهانه داشته و یا مدیران عالی جمعیت را هدف گرفته باشد، بنا به سوابقی که در سطور اولیه این مطلب ذکر شد، به دنبال تخریب برند یکی از سازمان‌های مورد اقبال مردم است تا با سلب اعتماد مردم از آن در بزنگاه‌های مختلف از قبیل سیل یا، جامعه‌دچار نوعی هر جومر شود و با توجه به شرایط روحی حاکم بر مردم آسیب دیده و حساسیت بالای جامعه، قادر باشند بیش از پیش شکاف میان مردم و حاکمیت را عمیق تر سازند. از سوی دیگر، حضور مویرگی جمعیت هلال احمر در اقصی نقاط کشور حتی در دور ترین نقاط را کمتر نهاد با سازمانی در اختیار دارد این مزیت سبب شده است تا توجه به نزدیک شدن به رویداد مهم سیاسی (انتخابات) جریان‌های سیاسی چشم طمع به این پتانسیل عظیم بدون زد؛ به خصوص آن که این جمعیت در نقاطی که حضور دارد ارزش افزوده محبوبیت بهره می‌برد که در این شرایط ویژگی بسیار مهم محسوب شده و سبب تغییر معادلات در رقابت‌های سیاسی می‌شود و برای کسانی که اهداف سیاسی برایشان مهم است، نه اهداف و خط مشی هلال احمر، نکته غیر قابل چشم‌پوشی است.

بانگهای به اقدامات انجام شده در زمینه مبارزه با فساد و نکات ابهام آمیز که اغلب به دلیل حجم فعالیت‌های امدادی هلال احمر بر اثر بحران‌های اخیر به چشم نیامده‌اند، این حجم وسیع از تخریب می‌تواند گواهی باشد بر نیت خاص گردانندگان این حملات که متناسبانه بر اثر بزرگنمایی حاشیه‌سازان از یک سو و عدم پاسخگویی مناسب بخش‌های مرتبط در جمعیت از دیگر سو، موجب باور پذیری عده‌ای از فعالان و بخشی از هم‌میهنان عزیزمان شده است.

در دوره حدود دو ساله فعلی در جمعیت هلال احمر، بزرگترین نکته مبهم و غیر شفاف در بخش سازمان تدارکات پزشکی بوده است که در انتها موجب بازداشت دو هفته‌ای رئیس آن (و نه مدیران متعدد) و سپس آزادی با وثیقه سه میلیارد تومانی شد. کسانی که آگاه به فعالیت‌های بخش دارو و تجهیزات پزشکی هستند و در زمینه حقوق نیز سر رشته دارند، می‌دانند که قرار وثیقه سه میلیارد تومانی نمایانگر چه حجمی از اتهامات می‌تواند باشد؛ هر چند که این اعتقاد را سخ وجود دارد که حتی رالی از ابهام نیز به هیچ عنوان توجیه پذیر نیست و این مثال تنها برای مقایسه با حجم اخبار اخیر در زمینه فساد آورده شده است.

مدعیان مبارزه با فساد، بدون اشاره به حجم مفاسد و ابهاماتی که از دوره‌های قبیل به این دوره منتقل شده است و بدون آن که موارد مشخصی از مفاسد ادعایی خود را بیان کنند، تنها با تخریب سنگین رسانه‌ای، بزرگنمایی و تعمیم آن به کل جمعیت هلال احمر - که سازمان تدارکات پزشکی تنها بخش کوچکی از آن است - سعی در موجه ساختن تبلیغات خود در زمینه وجود فساد گسترده در جمعیت هلال احمر دارند. بانگهای هر بر خیز از پرونده‌های فساد در صنعت خودروسازی، بانک‌ها و ... و حجم بر خورد رسانه‌ای با آنها به راحتی می‌توان تفاوت نوع بر خورد با آنها و با جمعیت هلال احمر را مقایسه کرد. رئیس و سایر مدیران جمعیت هلال احمر ایران بارها اعلام کرده‌اند که آمادگی کامل را برای همکاری با نهاد های قانونی مرتبط در زمینه مبارزه با فساد دارند و همچنین این جمعیت معتقد است که در این مجموعه به علت عدم فعالیت منسجم و هدفمند در زمینه شفافیت در دوره‌های گذشته، علیرغم صداقت و درستکاری اکثریت قاطع اعضای هلال احمر امکان برخی از اعمال نادرست وجود دارد که نه تنها به هیچ عنوان مورد تأیید نیست، بلکه در هر زمانی متوجه این گونه موارد شده‌اند تا حد اکثر توان به مقابله با آن پرداخته‌اند تا از محبوبیت این برند مردمی و ۹۵ ساله محافظت شود.

برای حفظ محبوبیت برند مردمی هلال احمر هیچ خط قرمزی وجود ندارد و افراد در هر پست یا مقامی که باشند از کوچکترین حق بر پای خدش‌دهار کردن چهره این نهاد مردمی برخوردار نیستند. قطعه‌ها در سال‌های اخیر هم اشتباهاتی وجود داشته است، قطعه‌ها در این مجموعه چند هزار نفری هم افرادی دچار لغزش شده و ممکن است برخلاف قانون عمل کرده باشند؛ نه این میانه تقابل انکار کرده اما قطعه‌ها هنوز هم جمعیت توان‌پاک ترین سازمان‌های کشور است.

قطعه کوچکترین تخلف و ناکار آمدی جای هیچ گونه توجیهی ندارد و باید نقیصه موجود بر طرف شود؛ اما از سوی دیگر نباید اجازه داد افراد، گروه‌ها یا محفل‌های مشخص با حملات غیر منصفانه و غیر واقعی که در راستای اهداف سیاسی و جناحی است، موجب شوند مردم از جمعیت هلال احمر ایران که تعلق به خود آنها دارد، دلسرد شوند.

در این میان تنها راه مقابله حضور گسترده مردم، اعضا و مخاطبان هدف است. در این جمعیت مردمی با شفافیت، نظارت همه جانبه و استقرار یک سیستم پایدار، می‌تواند نه تنها خود را در معرض نظارت مردم قرار داد، بلکه اجازه نداد تا بتخریب مدیریت این سیستم نظارت دچار آسیب شود.

اشیای بزرگ یا سنگین و همچنین ظروف شیشه‌ای، ظروف چینی و سایر اشیای شکستنی و ظروف حاوی مواد خوراکی و شیمیایی را در قفسه‌های پایین کابینت و کمد قرار دهید.

مرگ یک مادر یا نوزاد هر ۱۱ ثانیه در جهان

گزارش سازمان ملل نشان می‌دهد هر ۱۱ ثانیه یک مادر باردار یا نوزاد در نقطه‌ای از جهان جان خود را از دست می‌دهد. به گزارش «ایسنا»، احتمال مرگ‌ومیر در میان زنان باردار و نوزادان تازه متولد شده نسبت به گذشته کاهش پیدا کرده که عمدتاً به دلیل ارتقای خدمات درمانی و مراقبتی است. با وجود این آمارهای سازمان ملل نشان می‌دهد که هر ۱۱ ثانیه یک نوزاد یا زن باردار در نقطه‌ای از جهان جان خود را از دست می‌دهد. گزارش یونیسیف و سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهد که از سال ۲۰۰۰ مرگ‌ومیر کودکان به نصف و مرگ‌ومیر مادران به بیش از یک سوم کاهش پیدا کرده که بیشتر به دلیل بهبود دسترسی به خدمات مراقبتی و درمانی با کیفیت است.

گزارش «شهروند» از نشست بررسی «موانع فعالیت ورزشی زنان»

نامید نیستیم، نوع امیدمان تغییر کرده است

سعید مدنی، جامعه‌شناس: در گوشه ذهن جامعه یک ناامیدی وجود دارد و در گوشه دیگر، امیدواری
 احمد بخارایی، جامعه‌شناس: سحر خدایاری در خانواده از جسارت شکستن الگوهای سنتی بر خوردار بود
 اگر اختلالی هم در رون داشت، متاثر از شرایط اجتماعی بود



عکس: شهروند

شهروند | جامعه‌شناسان دور هم جمع شدند و ماجرای خودسوزی «سحر خدایاری» را بررسی کردند. سحر دختری که چندی پیش در اعتراض به روند رسیدگی به پرونده‌اش برای بار دوم خودکشی کرد و این بار جانش را از دست داد. او را به دلیل ورود به ورزشگاه بالباس پسرانه بازداشت کرده بودند و در ادامه، متهم به جرم حمله کردن عفت عمومی و توهین به مأموران شد. حال جامعه‌شناسان می‌گویند خودسوزی این زن جوان، اتفاقی فردی نیست و نیاز به تحلیل اجتماعی دارد. اینها بخشی از صحبت‌هایی است که در نشست «موانع فعالیت ورزشی زنان» مطرح شد؛ نشست که گروه مسائل و آسیب‌های اجتماعی انجمن جامعه‌شناسی ایران آن را برگزار کرد. قرار بود در این نشست، معاون وزیر ورزش و جوانان، مه‌ساز صابری، و الیابلیست و طیبه سیاوشی، نماینده و عضو فراکسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی هم حضور داشته باشند، اما تنها دو نفر از کارشناسان یعنی سعید مدنی، جامعه‌شناس و پژوهشگر و حسن محدثی، جامعه‌شناس دین حاضر شدند. مدیر ریت جلسه هم به عهده احمد بخارایی، جامعه‌شناس بود. سخنرانی حسن محدثی در این نشست با پاسخ به این پرسش که چنانچه اتفاقی در جامعه رخ داده که در نهایت منتهی به چنین اتفاقی می‌شود، شروع شد. محدثی اما ترجیح داد در ابتدا درباره جایگاه فقه در جامعه و حکومت توضیح‌هایی دهد: «فقه دانشی است که شیوه زندگی دینداران را تعیین می‌کند و وقتی به تاریخ اسلام نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که فقه مهم‌ترین دانش دینی بوده و فقها هم نیرومندترین قدرت فرهنگی در جهان اسلام بودند، بنابراین نمی‌توان گفت که فقه بخش فرعی از دین است، اما نکته‌ای که وجود دارد این که وقتی فقه تبدیل به قانون می‌شود، اتفاق دیگری می‌افتد.»

در دنیای مدرن
یک نوع خودسوزی ایجاد شده است
 محدثی معتقد است که فقه باید پویا باشد و در این باره مثالی آورد: «قبل از ماجرای خودسوزی سحر، در فضای مجازی فیلمی منتشر شد که نشان می‌داد دختر ۹ ساله‌ای با جوان ۳۰ ساله‌ای عقد کرده است. فقه این اتفاق را جایز می‌داند، اما امان‌ها معمولی بر اساس فرهنگ مدرن، این اتفاق را غیر انسانی می‌داند و به آن اعتراض می‌کند، اینجاست که فقه دچار چالش می‌شود. در مورد ورود زنان به ورزشگاه هم چنین اتفاقی افتاده است، در اندیشه فقهی چنین چیزی وجود ندارد که زنان مشتاق فوتبال باشند و در ورزشگاه حضور پیدا کنند.» به گفته این جامعه‌شناس دین، قوانین باید با توجه به تحولات جامعه پیش روند، چرا که اگر این اتفاق نیفتد، مشکلات ایجاد می‌شود و در حوزه زنان این موضوع بیشتر از بخش‌های دیگر خودش را نشان می‌دهد: «یکی از پیامدهای انقلاب اسلامی این بود که زنان وارد خیابان شدند و عرصه عمومی را به دست آوردند.» به گفته او در گذشته انسان سنتی احکام سنتی را اجرا می‌کرد، اما در دنیای مدرن، یکی نوع خودسوزی ایجاد شده است، انسان مدرن نسبت به انسان سنتی خودسوزی را تر است و منابع دگر سالاری مدرن ایجاد شده، البته که زن ایرانی خودسوزی نیست، اما منابع دگر سالاری اش متفاوت شده است.

بماند و در مقابل در ماده ۲۲ هم اعلام شده که اگر متهم می‌خواهد به جای وکیل، وثیقه بگذارد، باز پرس مکلف به تبدیل قرار است. با این که سحر خدایاری وثیقه آورده بود، اما سه روز در بازداشتگاه ماند. بعد هم که ۶ ماه مجازات حبس برایش صادر می‌شود، آن هم از طرف شخصی که مسئولیتی در نظام قضائی ندارد.» او ادامه داد: «بر اساس ماده ۱۳۴ آیین دادرسی کیفری، جرایم تعزیری ۷ و ۸ یعنی کسانی که مجازاتشان ۶ ماه و کمتر است اصلاً تلبازی نیست که به باز پرس می‌روند. آنها باید مستقیماً به دادگاه راجع داده شوند، اما سحر را به باز پرس برده بودند و بعد برایش قرار وثیقه صادر شد، در حالی که اصلاً تلبازی هم به وثیقه نبود. از سوی دیگر، اصلاً برای موردی مثل سحر، نیازی نبود که به دادگاه انقلاب راجع داده شود، دادگاه انقلاب بر اساس ماده ۳۰ آیین دادرسی کیفری، در موارد خاصی می‌تواند ورود کند. یکی از آنها جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، دیگری توهین به رهبری و جرایم مواد مخدر و ... است. هیچ کدام از اینها در گروه اتهامات سحر نبوده است.

علاوه بر سخنان سخنرانان این نشست باید گفت بدون تردید مورد «سحر خدایاری» می‌تواند سوره مناسبی برای بررسی‌های جامعه‌شناسانه در جامعه ایرانی باشد. اگر چه بر سه استفاده از پرونده او برای تخریب رسانه‌ای نظام، امری محکوم است، اما وظیفه جامعه‌شناسان و تحلیلگران این است که با واکاوی همه جوانب موضوع از عوامل رشه‌های پرده‌دارند تا از آسیب‌های اجتماعی در جامعه کاسته شود.

رسید. بنابراین اتفاقی که برای سحر رخ داده، یک موضوع جدی است و نباید ساده‌از آن گذشت. مدنی به نرخ خودکشی در شهرهایی مثل ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و کرمانشاه هم اشاره کرد: «ز سال ۶۷، ۸۷، نرخ خودکشی در ایلام به صورت انفجاری بالا رفت. آمار هانشان می‌دهد که میزان خودکشی در این استان در سال ۹۶ عدد ۱۳۸، در ۱۰ هزار نفر بوده، در کهگیلویه و بویراحمد هم این رقم ۱۳۷ بوده و در کرمانشاه، ۱۱۹.»

خودکشی سحر خدایاری، نیاز به تحلیل اجتماعی دارد
 به اعتقاد این جامعه‌شناس، آن چه برای سحر خدایاری اتفاق افتاده، بیشتر از این که نیاز به تحلیل فردی داشته باشد، نیازمند تحلیل اجتماعی است. او با اشاره به این که دامنه نابرابری اجتماعی در ایران گسترده است و عواقبی دارد، به ماجرای ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه اشاره کرد و گفت که این اقدام منع قانونی ندارد. با این حال این اتفاق می‌افتد. او در ادامه با اشاره به ایراداتی به روند بررسی پرونده سحر، گفت: «در ماده ۲۶ آیین دادرسی کیفری آمده، متهمی که برایش قرار کفالت یا وثیقه صادر شده تا معرفی وکیل و سپردن وثیقه باید در بازداشتگاه

خودکشی موضوعی فردی نیست
 سعید مدنی، جامعه‌شناس سخنران بعدی این نشست بود، او ماجرای خودسوزی سحر خدایاری را این طور بررسی کرد: «خودکشی یک نفر هیچ وقت یک مسأله فردی نیست، میانگین جهانی خودکشی ۱۲ در ۱۰ هزار نفر است، در ایران این رقم ۶ در ۱۰ هزار نفر است، درست است که در مقایسه با میانگین جهانی وضعیت خوبی داریم، اما در منطقه وضع مان خوب نیست، چرا که این نرخ در افغانستان ۴۰،۷ است، در عراق ۳۰ درصد و در سوریه به همه گرفتاری‌هایی که دارند، ۱۹ است. مسأله‌ای که وجود دارد این است که میزان خودکشی در ایران روند صعودی دارد و در هفت هشت سال اخیر، سالانه ۵ درصد به شاخص‌ها اضافه شده است. در سال ۹۴، نرخ خودکشی در ایران ۵ در ۱۰ هزار بود، در سال ۹۵، ۵،۵ در ۱۰ هزار بود، در سال ۹۶، ۶،۳ در حالی که خیلی وقت‌ها آمار خودکشی دچار کم‌شماری هم می‌شود.» به گفته او میزان اقدام به خودکشی بدون مرگ هم در ایران آمار قابل توجهی دارد، مثلاً در سال ۹۴، ۹۴ در ۱۰ هزار بود، در سال ۹۵، ۹۶، ۹۶ در ۱۰ هزار نفر و در سال ۹۷، ۹۷، ۱۲۵، ۲

نرخ خودکشی در ایران ۶ در ۱۰ هزار نفر است، در افغانستان ۴۰،۷، در عراق ۳ نفر و در سوریه به با همه گرفتاری‌هایی که دارند، ۱۹، است. میزان خودکشی در ایران روند صعودی دارد و در هفت هشت سال اخیر، سالانه ۵ درصد به شاخص‌ها اضافه شده است

اگر هم سحر اختلالی داشت متاثر از شرایط اجتماعی بود

جامعه‌شناس که مدیریت این نشست را به عهده داشت، پرسش‌هایی را مطرح کرد: «آیا می‌توان خودسوزی سحر را منفک از این جریان اجتماعی تحلیل کرد؟ آیا این رخداد با حکایت ورزش زنان بی ارتباط است؟ گفته می‌شود تعداد زنان ورزشکار سازمان دهی شده یک چهارم مردان ورزشکار است. آیا تجهیزات و امکانات و بودجه ورزشی زنان و مردان گویای فاصله زیاد و شکاف عمیق نیست؟ مهمتر از تجهیزات و امکانات در ورزش زنان، موانع فرهنگی - اجتماعی است. آیا رسانه‌های دولتی و حتی خصوصی در ایران این اجازه را دارند که نسبت به لزوم و جایگاه ورزش زنان در روند فعالیت‌های اجتماعی مساوات طلبانه سخن بگویند و سطح فرهنگ را از تقادهند؟ آیا الگوهای رفتاری در فرهنگ سنتی در مواجهه با زنان در خانواده‌ها باز تولید نمی‌شود و آیا این موانع فرهنگی چگونه و چرا باعث شده است که در بسیاری موضوعات از جمله در ورزش بین زنان و مردان تبعیض وجود داشته باشد؟» به گفته او، خانم اولاد قباد، نماینده مجلس و رئیس فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی ۳ روز پس از فوت سحر خدایاری و ۲۱ شهریور ۹۸ در گفت‌وگو با ایسنا مطرح کرد

که حدود یک ماه پیش در جلسه با وزیر ورزش، آقای سلطانی فر گفته بود که زیر ساخت ورود زنان در تمام ورزشگاه‌های کشور فراهم است و هیچ مشکلی وجود ندارد. آیا به واقع چنین است و زنان می‌توانند همانند مردان به ورزشگاه‌ها ورود کنند؟

او ادامه داد: «روانشناسان می‌گویند واکنش طبیعی جوانان به آسیب دیدگی بی در بی، «ترس» است که وقتی تکرار می‌شود مکانیسم «بی حسی» به طور خودکار در افراد فعال می‌شود. ما هم در جامعه‌شناسی می‌گوییم وقتی افراد در یک جامعه احساس می‌کنند که به بازی گرفته نمی‌شوند و دارای کارایی لازم نیستند احساس بی کفایتی و احساس بی‌هنجاری و احساس پوچی می‌کنند و نهایتاً منزوی می‌شوند که ممکن است به خودکشی یا اعتیاد بینجامد. پس چه روانشناسی و چه جامعه‌شناسی به عناصر و عوامل بیرونی تأثیرگذار در اختلال‌های فردی و جمعی توجه دارند و آن رقم ۳۰ درصد جامعه ایران قابل تقلیل به ابعاد فردی نیست.» به گفته او، سحر خدایاری در خانواده از جسارت شکستن الگوهای سنتی بر خوردار بود، اگر اختلالی هم در رون داشت متاثر از شرایط اجتماعی بود. این رخداد منحصر به سحر نیست و کم و بیش در جامعه وجود دارد که نشأت گرفته از ساختارهاست. باید به مجموعه عناصر مندرج در ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی توجه کرد تا بتوان این گونه رخدادها را فهمید.

در ادامه این نشست، تعدادی از حاضران پرسش‌هایی مطرح کردند، یکی از آنها مربوط به امید اجتماعی بود و این که امید اجتماعی را چگونه می‌توان تعریف کرد و منابش چیست؟ سعید مدنی در پاسخ به این پرسش توضیح داد: «امید یک تصور ذهنی از وضع مطلوب است، یعنی ما بر اساس وضع موجود، تصویری از وضعیت مطلوب داریم که قابل دسترسی است. در امید فردی ناامیدی محض ایجاد می‌شود و ممکن است فرد دست به خودکشی بزند. در مورد امید جمعی اما هیچ وقت ناامیدی محض ایجاد نمی‌شود، در گوشه ذهن جامعه یک ناامیدی وجود دارد و در گوشه دیگر، امیدواری. در جامعه ما در برخی زمینه‌ها امید وجود دارد و در برخی زمینه‌ها وجود ندارد. اما از زبانی من این است که جامعه ایران، جامعه ناامیدی نیست، بلکه سویه آمیذش را تغییر داده است.» حسن محدثی، جامعه‌شناس دین‌انظر دیگری داشت، او گفت که در جامعه ما غارتگری ساختاری رخ داده. یعنی انسان در مقابل سازمان‌ها و ساختارها، بی‌پناه است و چه بسا، سحر خدایاری هم لحظاتی از این بی‌پناهی را تجربه کرده است. به اعتقاد او امید بر آورد ذهنی فرد برای تحقق طرح‌هایش در آینده بلند مدت و کوتاه مدت است، در حالی که در ایران افراد فاقد افق بندگی اند. او درباره سوالی درباره این که آیا مشکل زنان، تنها ورود به ورزشگاه است، توضیح داد: «ما در جامعه متکثر زندگی می‌کنیم، زنان ما هم متکثرند، بنابراین مطالبات متنوعی دارند، ورود به ورزشگاه، مطالبه بخشی از زنان است.» احمد بخارایی،